

گزیده‌ای از پژوهش‌های ارسالی شماره ۷۶ - موضوع پژوهش (۲)

## عبرت‌شناسی

### مقدمه

کاربرد «عبرت» در قلمرو «تربیت»، بسیار گسترده است. همه ادیان الهی و مکاتب تربیتی، پیروان خویش را به عبرت‌آموزی از سرگذشت پیشینیان و مقایسه موقعیت خود با آنان فرا می‌خوانند. اسلام نیز به عنوان کامل‌ترین دین الهی، مسلمانان را به سیر در آفاق و انفس، توأم با تفکر و اندیشه در سرگذشت دیگران، دعوت کرده است. به همین دلیل یکی از مهم‌ترین و پرثمرترین روش‌های تربیتی که در سیره پیشوایان، از جمله مولای متقیان علی(ع) مورد توجه خاص بوده و کاربرد بسیار داشته، روش «عبرت‌آموزی» است.

آن حضرت در نامه‌ای به یکی از دوستانش می‌فرماید: «واعبر بما مضی من الدنیا لما بقی منها، فان بعضها یشبه بعضاً و اخرها لاحق بأولها»<sup>۱</sup> از گذشته دنیا، برای آینده‌اش چراغ عبرتی بساز، چرا که پاره‌های تاریخ با یک‌دیگر همانند هستند و در نهایت پایانش به آغازش می‌پیوندد.

قرآن کریم نیز پس از ذکر سرنوشت اقوام پیشین، انسان‌ها را به عبرت گرفتن از آن توصیه می‌کند و با تعبیر: «فانظروا کیف کان...»<sup>۲</sup> ما را به تأمل و بهره‌گیری در زندگی گذشتگان و درس گرفتن از آن‌ها فرا می‌خواند.

حضرت علی(ع) می‌فرماید: «ما اکثر العبر و اقل الاعتبار»<sup>۳</sup> عبرت‌ها چه بسیار است و پند گرفتن‌ها چه اندک. «عبرت، حالتی است که در اثر برخورد با امور ظاهری و مشهود، برای انسان پدید می‌آید و به معرفتی باطنی و غیر مشهود منتهی می‌شود. به این حالت گرچه روش نمی‌گویند، ولی با توجه به عامل ایجاد کننده آن، جنبه روشی می‌یابد. تشابه زندگی انسان‌ها و اقوام مختلف با یک‌دیگر، حساب‌گری و اندیشه‌ورزی و نیز تأثیرپذیری انسان، مبانی این روش را تشکیل می‌دهند. دست‌یابی به بینش، بهره‌مندی از تجارب دیگران، مصونیت نسبی از خطا و در نهایت استفاده بهینه از عمر و باقی‌مانده آن، از پی‌آمدهای تربیتی عبرت است.

### معنای واژگانی عبرت

عبرت بر وزن فعله از ریشه «عبر» است که به معنای گوناگونی چون: «تفسیر کردن، سنجیدن، تعجب کردن و عبور کردن» آمده و وجه اصلی آن‌ها، انتقال از حالی به حال دیگر است؛ به معنای دیگر، عبرت

حالتی است که در آن معرفت ظاهری و محسوس، سبب درک معرفت باطنی و غیر محسوس می‌گردد و انسان از امور مشهود به امور نامشهود منتقل می‌شود. تأکید به عبرت گرفتن از سرگذشت مخلوقات و ملل و حوادث گوناگون زندگی در دوران‌های مختلف به دلیل پی‌آمدهای تربیتی فراوانی است که به دنبال دارد.

### تفاوت عبرت و درس

تفاوتی که بین عبرت و درس است در نوع حادثه و زمان آن می‌باشد. به مجموع پیام‌هایی که از حوادث تلخ و منفی دوران گذشته پدید می‌آید عبرت می‌گویند، اما درس عبارت است از: پیامی که اغلب دست‌آورد رویدادهای خوب و مثبت بوده و مربوط به زمان خاصی نیست؛ یعنی گاهی به صورت حال و گاهی مربوط به زمان گذشته است.

### آثار عبرت

الف) عبرت، کلید بصیرت: یکی از مهم‌ترین مقاصد تربیت آن است که انسان به درجه‌ای از درک و بصیرت برسد که بتواند از ظواهر امور بگذرد و به باطن آن‌ها بنگرد، از محسوسات عبور کند و به معقولات برسد و قدرتی فراگیر برای سنجش و اندازه‌گیری، تجزیه و تحلیل، حل و فصل امور و انتخاب و تصمیم‌گیری در ابعاد مختلف زندگی به دست آورد. عبرت، راهی است که می‌تواند انسان را به این مقصد تربیتی برساند. حضرت علی(ع) در کلام خود بر این اثر عبرت تصریح کرده، می‌فرمایند: «کسی که عبرت آموزد، آگاهی یابد و کسی که آگاهی یابد، می‌فهمد و آن که بفهمد، دانش آموخته است.»<sup>۴</sup>

سخن اصلی این کلام آن است که «تفکر» زمینه‌ساز عبرت است و «عبرت» زمینه بصیرت را فراهم می‌آورد. انسان زمانی به بینش و بصیرت می‌رسد که به شنیدن اکتفا نکند، بلکه در شنیده‌ها اندیشه کند و با دقت به امور بنگرد. نتیجه این اندیشه و دقت نظر، همان عبرتی است که در تصمیم‌گیری‌ها و رفتار انسان مؤثر خواهد بود.

ب) عبرت، انتقال دهنده تجارب: انسان‌های عادی در طول زندگی سعی می‌کنند هر خطایی را یک بار تجربه کنند و یک خطا را چند بار مرتکب نشوند، ولی خردمندان در تلاش هستند آن خطایی را که دیگران تجربه کرده‌اند، اصلاً مرتکب نشوند؛ چنان‌که امیرمؤمنان علی(ع) در وصیتی به فرزند خویش امام حسن مجتبی(ع) می‌فرمایند: «پسرم، اگرچه من به اندازه همه کسانی که پیش از من می‌زیسته‌اند، عمر نکردم، اما در کردار آن‌ها نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم تا بدان‌جا که همانند یکی از آن‌ها شدم؛ بلکه گویا در اثر آن‌چه از تاریخ آنان به من رسید، با همه آن‌ها از اول تا آخر بوده‌ام. پس، من قسمت زلال و مصفای زندگی آنان را از بخش کدر و تاریک آن باز شناختم و سود و زیانش را دانستم.»<sup>۵</sup>

ج) عبرت و بازسازی از خطا: از فواید و پی‌آمدهای تربیتی عبرت، هدایت‌گری آن است، زیرا عبرت‌ها همواره انسان را به رشد و کمال رسانده و به راه راست هدایت می‌کنند و چراغ‌هایی هستند که مسیر صحیح زندگی را نشان می‌دهند.

سبب هدایت‌گری عبرت بدین دلیل است که در جریان آن، انسان با تجارب دیگران آشنا شده و رابطه بین سیر و سلوک انسان‌ها با پی‌آمدهای سوء آن‌ها را احساس می‌کند. پس اگر موقعیتی مشابه آن داشته باشد، از سرنوشت آن‌ها درس می‌گیرد و به طریقی دیگر عمل می‌کند؛ طریقی که آن پی‌آمدهای سوء را نداشته باشد. امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: «کسی که از اعمال و کردار گذشتگان و عواقب سوء آن‌ها عبرت گیرد، تقوا، وی را از فرو رفتن در آن‌گونه بدبختی‌ها باز می‌دارد.»<sup>۶</sup>

هرچه انسان، دامنه عبرت‌گیری‌اش وسیع‌تر باشد، دایره ارتکاب او به خطا، کم‌تر است. دلیل این سخن، آن است که فزونی عبرت‌ها، ابهام را از چهره امور می‌زداید، شبهات را از بین می‌برد، صراحت خاصی به مسائل می‌بخشد و آن‌ها را شفاف می‌کند.

د) عبرت، چراغ راه آینده: فردای درخشان و بهتر در گرو عبرت از گذشته است. حضرت علی(ع) در این زمینه می‌فرماید: «اگر از آنچه گذشته است، عبرت بگیری، آنچه را که باقی است، حفظ خواهی کرد.»<sup>۷</sup> بدین دلیل که تاریخ تکرارپذیر است، همواره قومی می‌رود و قومی دیگر جای‌گزین می‌شود. اختلاف حوادث و رویدادهای تاریخی، در جزئیات آن‌هاست. انسان‌های عاقل و عبرت‌گیر می‌توانند با موازنه و مقایسه این پدیده‌ها و بررسی اسباب و عوامل آن‌ها، پی‌آمدها و نتایج آن‌ها را پیش‌بینی کنند و تصمیم درست و متناسب را در هر مورد اتخاذ کنند. امام علی(ع) در نامه خویش به حارث همدانی به این نکته اشاره نموده است: «از حوادث گذشته دنیا برای باقی‌مانده آن عبرت بگیر، چرا که بعضی از آن‌ها شبیه بعضی دیگر است و پایانش به ابتدای آن می‌پیوندد و در هر حال، تمام آن گذرا و ناپایدار است.»<sup>۸</sup>

براساس مطالب بالا می‌توان نتیجه گرفت که خداوند مهربان در هر پدیده‌ای پیامی و در واقع عبرتی قرار داده است و هر کس دیده‌ای عبرت‌بین داشته باشد، می‌تواند از لابلای این پدیده‌ها، پیام‌ها را دریابد. امام همام(ع) به همین دلیل با بیان سرگذشت گذشتگان، مردم را به عبرت‌گیری از سرانجام آن‌ها فرا می‌خواند؛ از جمله این بیانات مشروح، خطبه قاصعه است.

برگرفته از مقالات:

سیده عظمت میری، شماره اشتراک ۴۰۰۹

محمد قراباغی، شماره اشتراک ۱۸۶۵۴



### عبرت‌های عاشورا

عاشورا، یکی از بزرگ‌ترین و پندآموزترین وقایع تاریخ بشری است. عاشورا، روز زنده شدن دوباره انسانیت و معنویت است. در این روز بود که خداوند توبه آدم را پذیرفت، در این روز بود که کشتی نوح بر جودی فرود آمد، عیسی بن مریم(ع) در این روز زاییده شد، موسی و ابراهیم در این روز نجات یافتند، چشمان یعقوب بینا شد، یوسف از چاه بیرون آمد، بدبختی و بیچارگی از ایوب برداشته شد، دعای زکریا مستجاب شد و خداوند یحیی را به او بخشید.

و عاشورا روز پیروزی خون بر شمشیر است. از عاشورای حسینی باید عبرت گرفت. عاشورا یک حادثه نبود بلکه یک کلاس درس برای گذشتگان و آیندگان است.

#### نمونه‌هایی از عبرت‌های عاشورا

##### ۱ - کنار گذاشتن وصایای پیامبر

پیامبر بزرگ رحمت حضرت محمد(ص) در آخرین روزهای عمر شریفشان فرمودند: «همانا من دو یادگار گران بها را بین شما باقی می‌گذارم؛ یکی کتاب خدا و آن دیگر، عترت من است، تا زمانی که به این دو چنگ زنید هرگز گمراه نخواهید شد و این دو تا قیامت تفکیک ناپذیرند». در این حدیث، راه هدایت امت اسلامی، تمسک به کتاب (قرآن) و عترت (ائمه اطهار) معرفی شده است.

بعد از رحلت پیامبر(ص)، مخالفان کتاب آسمانی مانع از عمل به دستورات قرآن کریم می‌شدند و فقط مردم را به قرائت قرآن سفارش می‌کردند؛ مانند معاویه که به عبدالله بن عباس دستور داده بود قرآن را بخوانید اما آن را برای مردم تفسیر و بیان نکنید.

آری، در ابتدا گروهی از سردمداران برای تحکیم مواضع خود و رسیدن به اهداف نامشروعشان شعار پیروی از قرآن سر دادند و با شعارهایی مانند «حسبنا کتاب الله» مردم را از توجه به سنت‌های پیامبر برحذر می‌داشتند. بعد از مدتی، پیروی از قرآن را کنار گذاشتند و به قرائت آن دعوت کردند مانند ضبیع تمیمی که درباره تفسیر قرآن پرسید، اما او را زندانی و سپس تبعید کردند تا این که از دنیا رفت، در حالی که پیش از آن، سید و بزرگ قوم خود بود.

امام حسین(ع) در کربلا به نسل‌های آینده سفارش می‌کند که با قرآن انس و الفت داشته باشند و به برادرش فرمودند: «برادرم، به نزد دشمن برگرد و اگر توانستی امشب را از آنان مهلت بگیر تا جنگ را به فردا موکول کنند و ما امشب را نماز بخوانیم و به درگاه او استغفار و دعا کنیم، زیرا خدا می‌داند که من تلاوت قرآن و نماز و دعا را دوست دارم.»

امام با این سخنان به دشمن می‌فهماند که شما قرآن را ترک کرده‌اید و جزو آن دسته هستید که به سبب دور شدن از قرآن، پیامبر از شما شکایت می‌کند: «خدایا این مردم از قرآن دوری جستند.»<sup>۹</sup> امیرمؤمنان علی(ع) فرمودند: «من اول کسی خواهم بود که برای مخاصمه با دشمنان، روز قیامت در برابر محکمه عدل الهی زانو می‌زنم.»<sup>۱۰</sup> و امام سجاد(ع) پس از بازگشت از کربلا و شام، کنار دروازه مدینه به مردم فرمود: «اگر پیامبر در عوض سفارش به نیکی به ما اهل بیت، سفارش کرده بود که در حق ما ظلم و ستم کنند، هرگز بیش از این به ما ظلم نمی‌کردند.»<sup>۱۱</sup>

نسرین حاجی‌خانی، شماره اشتراک ۹۳۳۰



## ۲- نهراسیدن از دشمن

امام حسین(ع) به همهٔ انسان‌های آزاده آموخت که می‌توان تنها جنگید و از نیروی دشمن ترسی به دل راه نداد و حتی یک قدم هم عقب‌نشینی نکرد آری، آن بزرگوار با این که کسی به ندای «هل من ناصر ینصرنی» او پاسخ نداد به تنهایی در مقابل دشمن ایستاد و جان خویش را در این راه فدا کرد، زیرا او فرزند قرآن و بر این باور بود که شهادتش برای نجات دین اسلام است و شکست در آن راه ندارد.

## ۳- احیای ارزش‌ها

امام حسین(ع) از ابتدای نهضت، با هر گامی که برمی‌داشت، یک اصل ارزشی را بنیان می‌نهاد. در جامعه جاهلی، انتساب‌های فامیلی ارزش‌مند بود، اما اسلام این‌گونه انتساب‌ها و «تبعیض نژادی‌ها» را به کلی از بین برده بود. با وجود این، معاویه احیاگر ارزش‌های جاهلی بود. امام حسین(ع) در این مورد فرمودند: «اگر امت اسلام به زمامداری هم‌چون یزید مبتلا شود باید فاتحهٔ اسلام را خواند». به همین دلیل و برای احیای ارزش‌های اصیل و اسلامی و اصلاح کژی‌ها و ناصافی‌ها، امام(ع) به جهاد برخاست تا مجدداً ریشهٔ سنت‌های جاهلی را بخشکاند و سنت‌های واقعی دین اسلام را زنده کند.

از دیگر نمونه‌های عبرت‌های عاشورا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- شکیبایی در برابر مصیبت‌ها؛

- رهایی از وابستگی‌های دنیوی؛

- امر به معروف و نهی از منکر؛

- ولایت‌پذیری؛

- انس با قرآن؛

- اهمیت به نماز؛

- مبارزه با تحریفات؛

- گذشتن از همه چیز در راه خدا.<sup>۱۲</sup>

زهرة شیردل داغیانی، از فاروج

## عبرت‌های قرآن

قرآن، این کتاب زندگی، اختصاص به یک زمان و مکان خاص ندارد، بلکه مانند رودخانه‌ای جاری، تمامی اعصار و سرزمین‌های جهان را سیراب می‌کند و هرگز خشک شدنی نیست و نخواهد بود. این کتاب آسمانی، منشأ هدایت و منبع رحمت برای جهانیان است و همواره خیر و برکت را نصیب انسان می‌سازد و هر کس به اندازهٔ درک و فهم خود می‌تواند از این دریای ژرف بهره‌گیرد و به سعادت دنیوی و اخروی نایل شود.

یکی از شگفتی‌های کلام وحی، بیان داستان‌های شیرین توأم با عبرت و موعظه برای بشر است. داستان‌های قرآنی، بازگوکنندهٔ حقایق مسلم تاریخی‌اند و خداوند در این داستان‌ها از سرگذشت اقوام و رویدادهای آینده سخن گفته است. به دلیل این که مقصود قرآن از بیان قصه‌ها، عبرت‌آموزی و آینده‌نگری

است، از داستان‌های بی‌هدف و گمراه‌کننده دوری جسته و شواهد بسیار نابی را ذکر می‌کند که چراغی روشن برای آیندگان است.

ای خوشا چشمی که عبرت‌بین بود      عبرت از نیک و بدش آیین بود

کبری حاجی خانی، شماره اشتراک ۱۳۹۱۳



### نمونه‌هایی از عبرت‌های قرآن

#### ۱ - قوم عود

قرآن کریم، تنها کتاب آسمانی است که درباره حضرت هود و صالح و قوم آنان سخن به میان آورده است. حضرت هود(ع) با هفت واسطه به حضرت نوح(ع) می‌رسد.<sup>۱۳</sup> این پیامبر الهی برای هدایت قوم عاد برانگیخته شد.

قوم عاد در سرزمین «احقاف» در شمال حضرموت و شرق عمان زندگی می‌کردند. آنان افرادی قوی و نیرومند بودند. گواه این سخن، قصرهای بلند آنان همراه با ستون‌های مرتفع بود که تا آن روز در جایی دیگر مانند آن ساخته نشده بود. این قوم از نعمت‌های فراوانی چون چهارپایان و باغ‌های مصفا و سرسبز برخوردار بودند،<sup>۱۴</sup> اما آنان به جای سپاس‌گزاری از این همه نعمت، به کفران آن برخاستند و با پیامبر خود حضرت هود(ع) به مجادله پرداختند. تا این که عذاب الهی بر آنان فرو بارید: «این قوم سرکش با وزیدن بادی کشنده که هفت شب و هشت روز به طول انجامید،<sup>۱۵</sup> به هلاکت رسیدند و اجسادشان چون نخل‌های خشکیده و واژگون نقش بر زمین شد.»<sup>۱۶</sup>

قرآن کریم در همین باره می‌فرماید: «قوم عاد تکذیب کردند. پس عذاب و بیم من چگونه بود؟ ما بر [سر] آنان در روزی شوم، به طور مداوم، تندبادی توفنده فرو فرستادیم، [که] مردم را از جا می‌کند؛ گویی که تنه‌های نخلی بودند که ریشه‌کن شده بودند.»<sup>۱۷</sup>

#### ۲ - قوم لوط

لوط، فرزند هاران<sup>۱۸</sup>، برادرزاده حضرت ابراهیم<sup>۱۹</sup> (ع) و از کسانی بود که بدو ایمان آورد.<sup>۲۰</sup> هم‌زمان با مهاجرت حضرت ابراهیم(ع) از بابل، او نیز مهاجرت کرد و هر کدام به نقطه‌ای رفتند. لوط به سرزمینی رفت که قرآن از آن به «مؤتفکات» یاد می‌کند.<sup>۲۱</sup>

لوط برخلاف پیامبران دیگر، در میان قومی برانگیخته شد که به زشت‌ترین اعمال دست می‌زدند. آنان به جای بهره‌گیری از جنس مخالف، به هم‌جنس‌بازی روی آورده بودند و افرادی را که از سرزمین آنان می‌گذشتند دست‌گیر می‌نمودند و با آن‌ها عمل شنیع لواط انجام می‌دادند.<sup>۲۲</sup>

سخنان و مواظبت حضرت لوط به حال آنان سودی نمی‌بخشید و این قوم هر روز به طغیان خویش می‌افزودند. روزی جوانانی زیباروی به عنوان میهمان بر آن حضرت وارد شدند و او با ناراحتی آنان را پذیرفت.



هنگامی که قوم لوط از وجود آن‌ها در خانه حضرت لوط باخبر شدند قصد تجاوز به آن‌ها نمودند. حضرت لوط (ع) قوم خود را نصیحت کرد و از آنان خواست موجبات شرمندگی خود را نزد میهمانان فراهم نسازند. اما آن‌ها نسبت به نصایح و مواعظ پیامبرشان بی‌توجه بودند. در این هنگام میهمانان خود را به حضرت لوط (ع) معرفی کردند و گفتند: ما فرشتگان و فرستادگان پروردگار هستیم. آن‌ها از حضرت خواستند تا خانواده‌اش را به جز همسرش که از گناه‌کاران بود، از سرزمین حجر به سوی شام دور کند تا عذاب الهی بر آن قوم نازل شود.<sup>۲۳</sup> پس از آن که آنان از قوم خارج شدند، سه عذاب بر آنان نازل گشت: طوفانی از سنگ،<sup>۲۴</sup> زمین لرزه‌ای شدید<sup>۲۵</sup> و صیحه آسمانی.<sup>۲۶</sup>

راضیه فتاحی، شماره اشتراک ۹۲۸۸



### ۳ - نظر نمودن به مردگان و قبرستان

نظاره نمودن قبرهایی که در کنار هم قرار گرفته‌اند، عبرت‌آموز است. نگاه به مردگانی که در حال تشییع جنازه آن‌ها هستیم نیز بسی مایه اعتبار است. همه انسان‌هایی که در قبرها آرمیده‌اند زمانی بر روی زمین برو بیایی داشتند ولی اکنون دستشان از همه چیز و همه کس کوتاه شده و خودشان مانده‌اند و اعمالشان. آری، در این قبرستان‌ها دیگر نه مقام‌ها مطرح است و نه ثروت‌ها و فامیل‌ها. همه اهل قبور ساکت و آرام به ما می‌گویند: ای اهل دنیا! تا دیر نشده توشه فراهم کنی قبل از این که به جای گاه ما برسی. قبر، یکی از منازل هول‌ناک سفر آخرت است که در هر روز می‌گویی: «انا بیت الغربة، انا بیت الوحشة، انا بیت الذود؛<sup>۲۷</sup> منم خانه غربت، منم خانه وحشت، منم خانه کرم.»

باید اطمینان داشته باشیم که عاقبت ما نیز چنین جایی خواهد بود، به همین دلیل لازم است چند روز عمر را غنیمت بدانیم و نسبت به اعمالمان مراقبت داشته باشیم. «توجه به این حقیقت که اعمال ما، از کوچک و بزرگ و نیک و بد در این جهان، ثابت و محفوظ می‌ماند و از بین نمی‌رود و در رستاخیز همه جا با ما خواهد بود می‌تواند هشدار به همگان باشد تا در برابر زشتی‌ها و بدی‌ها محتاط و سخت‌گیر باشیم و نسبت به نیکی‌ها علاقه‌مند و وفادار.»<sup>۲۸</sup>

موسی صیاداربابی، شماره اشتراک ۱۱۵۷۵



### ● پی‌نوشت‌ها:

۱. محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، نامه ۶۹.
۲. نمل (۲۷) آیه ۱۴ و ۵۱؛ قصص (۲۸) آیه ۴۰؛ صافات (۳۷) آیه ۷۳؛ زخرف (۴۳) آیه ۲۵.
۳. نهج البلاغه، حکمت ۲۹۷.
۴. همان، خطبه ۲۰۸.
۵. همان، نامه ۳۱.

۶. همان، خطبه ۱۶.
۷. همان، نامه ۴۹.
۸. همان، نامه ۶۹.
۹. فرقان (۲۵) آیه ۳۰.
۱۰. به نقل از: علی نظری منفرد، نهضت‌های پس از عاشورا، ص ۱۳۲.
۱۱. همان.
۱۲. سیدحسین اسحاقی، جام عبرت، ص ۱۴۴-۱۵۷.
۱۳. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۲.
۱۴. شعراء (۴۲) آیات ۱۳۳-۱۳۴.
۱۵. حاقه (۶۹) آیه ۷.
۱۶. برای آگاهی بیش‌تر درباره کیفیت نزول عذاب این قوم، بنگرید به سوره‌های: احقاف (۴۶) آیات ۲۵ - ۲۴، فصلت (۳۷) آیات ۱۶ - ۱۵، قمر (۵۴) آیه ۱۹، ذاریات (۵۱) آیات ۴۲-۴۱، مؤمنون (۲۳) آیه ۴۱.
۱۷. قمر (۵۴) آیات ۲۰ - ۱۸.
۱۸. عبدالکریم بی‌آزارشیرازی، باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، ص ۱۷۱.
۱۹. جلال‌الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ص ۷۴۹.
۲۰. عنکبوت (۲۹) آیه ۲۶.
۲۱. توبه (۸) آیه ۷۰.
۲۲. امین‌الاسلام طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۸۰.
۲۳. هود (۱۱) آیه ۸۱.
۲۴. اعراف (۷) آیه ۸۴، شعراء (۴۲) آیه ۱۷۳، هود (۱۱) آیات ۸۲ و ۸۳، حجر (۱۵) آیه ۷۴ و ...
۲۵. هود (۱۱) آیه ۸۲.
۲۶. حجر (۱۵) آیات ۷۴ و ۷۳.
۲۷. شیخ عباس قمی، منازل الآخرة، ص ۲۹.
۲۸. آیه‌الله مکارم شیرازی، پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان.

